

توزیع عادلانه منابع و فرصت‌ها در خیال توسعه پایدار روستاها



♦ دکتر حجت‌اله شرفی

عضو هیئت‌علمی گروه جغرافیا و برنامه‌ریزی روستایی دانشگاه شهید باهنر کرمان

است، اما به جرأت می‌توان گفت اقدام همه‌جانبه‌نگر و اثرگذاری در راستای توسعه روستایی برای پیشگیری از پدیده مهاجرت به شهرها صورت نگرفته و با وجود بردن امکانات پایه به مناطق روستایی و صرف هزینه‌های سنگین برای بهبود شاخص‌های رفاه، همچنان علامت سؤال بزرگی در مقابل مقوله مهاجرت به شهرها و خالی شدن بسیاری از روستاها از جمعیت وجود دارد.

با بررسی متون علمی، توسعه روستایی، توسعه پایدار و توسعه ملی دارای شش هدف مشترک می‌باشند که بیشتر متخصصان اهداف توسعه پایدار روستایی، در این موارد اتفاق نظر دارند که عبارتند از: ۱- تأمین نیازهای اساسی، ۲- افزایش تولید و کاهش

به اعتقاد بسیاری از صاحب‌نظران، توجه ویژه به روستاها و برنامه‌ریزی برای توسعه روستایی، علاوه بر افزایش تولید ناخالص ملی، موجب ماندگاری جمعیت مولد بویژه جوانان و نوجوانان در این مناطق شده و جامعه را از پیامدهای مهاجرت و حاشیه‌نشینی، مشاغل کاذب، فقر و آسیب‌های اجتماعی می‌رهاند. از سال ۱۳۲۷ که نخستین برنامه توسعه روستایی کشور تدوین شد، تلاش‌های پراکنده‌ای در نقشه توسعه روستایی رقم خورده و این امر در تدوین برنامه‌های عمرانی کشور نیز تا حدودی مورد توجه قرار گرفته

فقر، ۳- امنیت غذایی، ۴- افزایش درآمد، ۵- حفظ محیط‌زیست، ۶- توسعه فرصت‌های شغلی و افزایش مشارکت و اعتماد به نفس. در این بین اهداف خاص توسعه روستایی و توسعه پایدار عبارتند از: امنیت غذایی، افزایش مشارکت، حفظ محیط‌زیست و کاهش فقر. امروزه این اهداف چهارگانه به‌عنوان منشور بین‌المللی در همه محافل علمی و اجرایی مورد توجه هستند. یعنی همه کشورها اعم از کشورهای توسعه‌یافته و درحال توسعه به‌نوعی در برنامه‌های راهبردی خود برای هریک از این مقوله‌ها و اهداف، برنامه‌ریزی مشخصی دارند.

توسعه پایدار که امروزه یکی از موضوعات اصلی مورد بحث محافل توسعه و برنامه‌ریزی است، خود برآیند انگاره‌های مختلف توسعه است. درعین حال از این مفهوم نیز مانند خود مفهوم توسعه، برداشت‌های گوناگونی شده است. نکته مشترک تمامی این



بین زندگی خانوار روستایی و شهری بکاهند. توجه ویژه دولت به توسعه روستایی و ایجاد اشتغال در روستاها در راستای توسعه متوازن و ایجاد محیط مناسب برای زندگی روستاییان است تا از مهاجرت به شهرها و بروز پدیده‌هایی مانند حاشیه‌نشینی جلوگیری شود. توسعه متوازن و توزیع عادلانه امکانات موجب رضایت‌مندی عمومی می‌گردد.

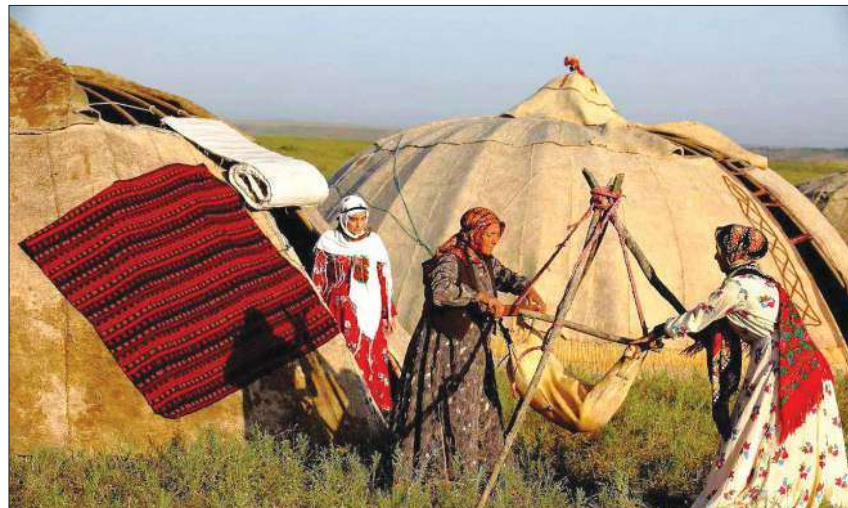
تجربه مایوس‌کننده دهه‌های اخیر و تشخیص این‌که آینده اکثر کشورهای توسعه‌نیافته یا درحال توسعه تا حدود زیادی به بهبود موقعیت روستایی بستگی دارد، اهمیت بی‌چون‌وچرای توسعه روستایی برای تحقق نهایی توسعه کشورها را روشن می‌نماید. یک برنامه توسعه روستایی باید دربرگیرنده فرآیندهای توسعه‌ای نظیر توسعه اقتصادی، اجتماعی، سیاسی، فرهنگی، محیطی و توسعه مشارکتی در سطح روستاها باشد. هدف کلیه تحقیقات و طرح‌های روستایی، آگاهی از خصوصیات اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی روستا است که به‌منظور ایجاد بستر و زمینه‌ی الزام برای تصمیم‌گیری و اقدام مناسب و به جا در این مراکز محروم کشورمان صورت می‌گیرد. امروزه توسعه دیگر از رشد اقتصادی صرف خارج شده و با مفهوم توسعه انسانی، عدالت اجتماعی و بهبود توزیع امکانات و خدمات پیوند خورده است. هدف کلی برنامه‌ریزی فضایی، سازمان‌دهی فضای سرزمین در عین بهره‌برداری خردمندانانه از آن در راستای چشم‌انداز بلندمدت توسعه در ابعاد و مقیاس‌های گوناگون می‌باشد. در این راستا برنامه‌ریزی و سطح‌بندی مراکز روستایی جهت پیشبرد اهداف برنامه‌ریزی منطقه‌ای بسیار مؤثر واقع می‌شود. یکی از موانع مهم بر سر راه توسعه، وجود پدیده نابرابری و عدم توازن‌های اقتصادی و اجتماعی در کشور یا در سطح منطقه است. توزیع عادلانه امکانات و ثمرات توسعه در میان اکثریت جمعیت از خصیصه‌های مهم اقتصاد پویا و سالم است. در جریان هرگونه تصمیم‌گیری اعم از برنامه‌ریزی، مدیریت، ارزیابی و یا کنترل چنانچه در طلب و جستجوی شرایطی مطلوب هستیم، باید در راستای ایجاد

بر اساس گزارش بانک جهانی در قرن بیست و یکم، توسعه روستایی با چالش‌های بزرگی روبه‌روست. بیشتر فقرای جهان در مناطق روستایی زندگی می‌کنند؛ بیش از یک میلیارد نفر در گرسنگی و در فقر مطلق به سر می‌برند و با درآمد کمتر از یک دلار در روز زندگی می‌کنند و میلیون‌ها کودک قربانی عدم توسعه انسانی می‌شوند.

به دلیل پراکندگی جغرافیایی فقرای روستایی، کم توجهی به ساختار اقتصادی روستاها و توانمندسازی جمعیت ساکن، پیامدهای خشکسالی، کند بودن برنامه‌های توانمندسازی و رشد متوازن کانون‌های اقتصاد روستایی از عواملی است که در این مناطق ریزش سطح درآمدی خانواده‌ها را رقم زده و جمعیت روستایی برای تأمین معاش ناچار به مهاجرت به شهرها شده و این مسئله رونق مشاغل کاذب، تورم و آسیب‌های پیدا و پنهان را باعث شده است.

توسعه روستایی، راهبردی برای بهبود زندگی اجتماعی و اقتصادی روستاییان است که باید همه‌جانبه، مستمر و متکی بر مشارکت و خودباوری روستاییان باشد. برای تحقق این امر باید زمینه مشارکت همه‌جانبه، همکاری و همدلی بین همه اهالی روستا فراهم باشد و مسئولان نیز باید با برنامه‌ریزی صحیح و توزیع عادلانه منابع و اعتبارات، رفاه و آسایش را برای روستاییان به ارمغان آورند و از فاصله طبقاتی

انگاره‌ها، پایداری و رسیدن به فرآیندی از توسعه است که بتواند پایا و بادوام باشد. لازمه پایداری تعادل است؛ زیرا یک سیستم نامتعادل، ناپایدار نیز خواهد بود و برعکس. تفاوت در انگاره‌های مختلف در تعمیم مفهوم تعادل و پایداری است که گروهی به تعادل در رابطه انسان و محیط‌زیست طبیعی اکتفا می‌نمایند و گروهی آن را به‌تمامی شئون زندگی انسانی، یعنی رابطه انسان با محیط و انسان با انسان در جوامع تعمیم می‌دهند. در توسعه پایدار انسانی، پایداری در تمامی ابعاد اقتصادی، اجتماعی و زیست‌محیطی مورد تأکید قرار می‌گیرد و عقیده بر این است که بدون پایداری و ایجاد تعادل و توازن در تمامی ابعاد جامعه نمی‌توان به یک توسعه با دوام دست یافت. به‌منظور نیل به این هدف، توسعه به‌سان سبستی نگر بسته می‌شود که عناصر اصلی آن، مردم، منابع و سرزمین به شمار می‌روند و ترکیب مطلوب این عناصر بر مبنای مشارکت و در قالب یک ساختار اجتماعی، اقتصادی و فضایی مناسب به معنای دستیابی به توسعه خواهد بود. برای رسیدن به الگوی توسعه مطلوب یا استفاده صحیح از منابع و فرصت‌ها و توزیع عادلانه آن، مشارکت مردم به‌عنوان عاملی اصلی و محوری به شمار می‌رود که تلفیق و ترکیب عناصر اصلی در جریان توسعه و به فعلیت درآوردن آن‌ها را بر عهده دارد.



تعادلی منطقی و واقع‌بینانه بین مناطق به لحاظ برخورداری از امکانات و خدمات حرکت نمود. گام اول در جهت چنین حرکتی شناخت وضع موجود و امکانات و محدودیت‌های آن است. برنامه‌ریزان جهت تحقق این امر سعی در کاهش نابرابری‌ها و عدم تعادل‌ها از طریق تدوین و اجرای برنامه‌های متعدد محرومیت‌زدایی و گسترش یکپارچه جنبه‌های مثبت توسعه‌یافتگی دارند. به‌کارگیری معیارها و روش‌های کمی جهت سطح‌بندی سکونتگاه‌ها در سیستم فضایی مناطق، نه‌تنها موجب شناخت تفاوت میان سکونتگاه‌ها می‌گردد، بلکه این سطح‌بندی معیاری برای تعیین مرکزیت، همچنین تعیین انواع خدمات موردنیاز و تعدیل نابرابری بین سکونتگاه‌ها است.

نتیجه‌گیری

از منظر ساماندهی روستایی، برنامه‌ریزی برای روستا با دو چالش عمده روبروست؛ یکی پراکندگی نامناسب روستایی در سراسر کشور که تعداد روستاها در جنوب و جنوب شرقی ایران، اندک ولی در نقاط شمالی تعداد روستاها زیاد است. دیگری توزیع نامناسب جمعیت در نقاط روستایی است؛ تعداد جمعیت در بعضی از روستاها ۴۰۰۰ نفر و در بعضی نقاط زیر ۴۰ نفر است. توزیع نامناسب جمعیت برنامه‌ریزی را دچار مشکل کرده است و ناگزیر هستیم به ساماندهی روستاها بپردازیم تا در قالب یک طرح ساماندهی روستا، مدیریت و ارائه خدمات را در سطح کشور سازمان‌دهی کنیم.

در کلیه کشورهای درحال توسعه، تکنولوژی یا فنون روستایی واقعاً عقب افتاده است که دلیل عمده آن می‌تواند منزوی بودن مناطق روستایی از مراکز شهری و کشاورزی از صنعت باشد. هنگام آن فرا رسیده است که گرایش‌های دوگانگی از برنامه‌ریزی توسعه حذف شود، گرایش‌هایی که شهر (ی) را در مقابل روستا (یی) و صنعت را در مقابل کشاورزی قرار می‌دهد، در عوض باید گرایش به قرار دادن شهر در کنار روستا و صنعت در کنار کشاورزی و به‌طورکلی هماهنگی این

عناصر در برنامه‌ریزی توسعه موردنظر باشد. باید سعی شود موانع موجود بر سر راه هماهنگی، جامع‌بینی و در کنار هم قرار دادن عناصر فوق‌الذکر شناسایی شوند. نیاز کنونی پیش‌برد، بهبود و ارتقای فنی فعالیت‌های روستایی است که در زمینه‌های غیرزراعی ایجاد اشتغال کند؛ بنابراین نیاز فزاینده‌ای به برنامه‌ریزی منطقه‌ای در جهت ائتلاف مناطق شهری و روستایی و نوسازی فنی و اصلاح کلی آن‌ها حس می‌شود. برنامه‌ریزی در جهت شناسایی روستاهای مرکزی برای ارائه خدمات مناسب و موردنیاز، ایجاد مشاغل غیر زراعی و توسعه صنایع روستایی، یکپارچه‌سازی اراضی کشاورزی، کاهش مهاجرت روستاییان، توسعه منابع انسانی و غیره می‌تواند چالش‌های موجود در توسعه روستایی را تا حدی حل نماید.

به دلیل وجود تنگنانهایی در توسعه روستایی ایران و برنامه‌ریزی آن باید در جهت اقدامات زیر گام برداشته شود:

* به دلیل عملی نشدن طرح جمعیت در ایران، باید روستاهای مرکزی جهت ارائه خدمات بهتر شناسایی شوند.

* تعادل مناسب در سیستم فضایی مناطق برای توزیع عادلانه حداقل امکانات و خدمات ضروری برای آحاد روستاییان ایجاد شود.

* در مورد روستاهای خیلی کوچک، در راستای توسعه انسانی و خدمات‌رسانی نباید صرفاً از دید اقتصادی نگریسته شود.

یک برنامه توسعه روستایی باید دربرگیرنده فرآیندهای توسعه‌ای نظیر توسعه اقتصادی، اجتماعی، سیاسی، فرهنگی، محیطی و توسعه مشارکتی در سطح روستاها باشد. هدف کلیه تحقیقات و طرح‌های روستایی، آگاهی از خصوصیات اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی روستا است که به‌منظور ایجاد بستر و زمینه‌ی الزام برای تصمیم‌گیری و اقدام مناسب و به‌جا در این مراکز محروم کشورمان صورت می‌گیرد.

* در جهت تلفیق صنایع روستایی در چهارچوب برنامه‌ریزی ملی سراسری تلاش شود و اقداماتی در جهت تشویق صنایع جدید و کوچک‌مقیاس در روستا صورت گیرد.

* مشارکت تعاملی روستاییان در طراحی، برنامه‌ریزی، اجرا و ارزشیابی برنامه‌ها جهت عملی شدن و موفقیت‌آمیز بودن آن‌ها ضروری است.

* باید نیازسنجی افراد منطقه موردنظر، قبل از برنامه‌ریزی امری اجتناب‌ناپذیر باشد.

در پایان به برخی از اقدامات محرومیت‌زدایی در جهت توزیع عادلانه امکانات و خدمات در روستاها می‌توان اشاره کرد: نهضت آبرسانی به روستاها، ایجاد کارگاه‌های اقتصاد مقاومتی، احیای جاده‌های روستایی در کنار فرهنگ‌سازی کار جهادی و تقویت روحیه انقلابی از جمله رسالت‌های جهادگران در مناطق مختلف و کم‌برخوردار کشور برای محرومیت‌زدایی و فراهم کردن زمینه‌های رشد و پیشرفت روزافزون کشور است.

بنابراین توزیع عادلانه امکانات مستلزم شناخت منابع است. روستاها در عصر حاضر با فرصت‌ها و تهدیدات زیادی روبه‌رو هستند، ازاین‌رو تضمین و تداوم حیات و بقای روستاها نیازمند راهکارها و روش‌های جدید مقابله با این موانع است که به نوع‌آوری، ابداع، خلق محصولات، فرآیندها و روش‌های جدید بستگی زیادی دارد؛ بنابراین توسعه روستاها در مقایسه با گذشته، پیوند گسترده‌تری با مفهوم کارآفرینی دارد. اهمیت توسعه کارآفرینی روستایی و نقش حیاتی آن در پیش‌برد توسعه کشورها و بویژه کشورهای در حال رشد، بر هیچ‌کسی پوشیده نیست. با توجه به این‌که شغل اصلی بسیاری از روستاییان کشاورزی است، برنامه‌ریزان و قانون‌گذاران به کارآفرینی در این بخش تأکید دارند. توسعه کارآفرینی در بخش کشاورزی باعث تنوع بخشیدن به تولیدات کشاورزی و غیرکشاورزی روستاییان می‌شود و همچنین فرصت‌های مناسبی را برای کاهش خطر معیشتی و افزایش امنیت غذایی پایدار در مناطق روستایی فراهم می‌کند. ♦♦